مراسم شکوهمند اربعین ۱۴۰۲ که دست کم ۴ میلیون ایرانی در آن شرکت کردند
توسط رسانه‌های ضدایرانی سانسور شد، راه دور زدن این تحریم رسانه‌ای چیست

حقیقت روشن است

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

این روزها همه جا صحبت از پیاده‌روی بزرگی است که از نیمه‌های ماه صفر شروع می‌شود و میلیون‌ها نفر از سراسر دنیا، خودشان را به عراق و بعد هم به کربلا می‌رسانند تا سهمی در این آیین دیرینه داشته باشند. در این گزارش نمی‌خواهیم در مورد اینکه چه اتفاقی در این راهپیمایی افتاد یا چرایی آن بحثی داشته باشیم، بلکه صحبت‌مان از بایکوت و نپرداختن به این رویداد عظیم در چند شبکه خبری فارسی‌زبان است که بنا به ادعای خودشان درحال کار خبری حرفه‌ای هستند. طبیعتا کار خبری حرفه‌ای یعنی پوشش دادن هر رویدادی که بزرگی و دربرگیرندگی آن وسیع است، اما این شبکه‌ها درنهایت از این راهپیمایی به انتشار چند خبر حاشیه‌ای اکتفا کرده و به اصل داستان کاری نداشتند. آنها با پررنگ کردن موضوعات حاشیه‌ای دیگر سعی بر این داشتند که ابعاد واقعی این راهپیمایی را تقلیل دهند. مثلا در این چند روز سعی کردند به ماجرای حضور سعید حدادیان به‌عنوان استاد دانشگاه تهران بپردازند و به هر شکل آن را پررنگ کنند، یا اینکه ماجرای اربعین را از چشم‌انداز اتفاقی که نمایشگر حضور همه مسلمانان دنیاست نمی‌بینند و به حاشیه راندن آن را هدف قرار می‌دهند؛ مثلا از پرتاب بستنی به سمت مردم در روز اربعین گزارش می‌دهند. یا اینکه تصادف‌ها در این راهپیمایی را پررنگ می‌کنند. از هزینه‌های گزاف می‌گویند و همه اینها را می‌گویند تا کلمه‌ای از ازدحام جمعیت در کربلا و مسیرهای منتهی به آن نگویند. در گزارش امروز سعی کردیم برخی اخباری که در این رسانه‌ها منتشر شده است را تحلیل کنیم.

ما می‌گوییم چه چیزی پررنگ باشد

رسانه انگلیسی BBC شاید بیشتر از هم‌قطارانش به ماجرای اربعین پرداخته است! اما مدل نگاه این رسانه در این خبرهایی که منتشر کرده است، چنانکه در ادامه به آن پرداخته شده، حرفه‌ای نیست و به‌وضوح نمایانگر غرض‌ورزی است. تیرماه امسال مانند سال‌های گذشته که خبر از تمدید گذرنامه برای اربعین آمد، خبرهایی در این مورد از سمت عراق منتشر می‌شد و BBC یکی از خبرها را بسیار پررنگ جلوه داد و آن هم مخالفت عراق با پذیرفتن گذرنامه ویژه اربعین بود. بی‌بی‌سی فارسی این خبر را به نقل از مجید میراحمدی، معاون وزارت کشور و رئیس ستاد مرکزی اربعین منتشر کرد. یا در خبر دیگری به موضوع ارز در اربعین اشاره می‌کند و می‌نویسد: «بانک مرکزی ایران اعلام کرد که امسال به‌جای دلار یا یورو، به زائران اربعین که به عراق سفر می‌کنند در چهارچوب تسهیلات «ارز اربعین» یا «ارز سفر به کربلا»، دینار عراق به قیمت دولتی پرداخت خواهد شد.» اینکه مردم نقشی در راهپیمایی اربعین ندارند یکی از جلوه‌های پررنگ در این رسانه‌هاست و طوری وانمود می‌شود که انگار همه خدمات از سوی دولت‌ها انجام می‌شود. BBC در خبری به حرف وزیر راه و شهرسازی اشاره کرده است و بر پایه همین خبر تحلیل می‌کند و می‌نویسد: «مهرداد بذرپاش وزیر راه و شهرسازی از اختصاص سه هزار میلیارد تومان اعتبار برای پروژه‌های راه‌سازی اربعین در ایران خبر داده و گفته است ۶۰ درصد تردد زوار از مرز مهران و مسیر استان ایلام انجام می‌شود. در همین راستا مسیر ایلام- مهران به‌عنوان شاهراه اصلی تردد زوار اربعین است.» این نوع پوشش خبری در راستای القا و پررنگ کردن این موضوع است که اگر این شاهراه درحال بازسازی بوده برای اربعین است که چنین شده، وگرنه این اتفاق نمی‌افتاد. بی‌بی‌سی در خبری دیگر به نقل از مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران از بودجه ۳۰ میلیارد تومانی شهرداری برای مراسم اربعین خبر می‌دهد و می‌گوید: «بودجه امسال شهرداری برای اربعین ۳۰ میلیارد تومان است.» در دهه اول محرم این رسانه مراسم عزاداری را به گونه‌ای دیگر پوشش داد و در گزارشی به این موضوع پرداخت و نوشت: «امسال، فضایی متفاوت با سال‌های قبل بر محرم و عزاداری‌های آن حاکم بود. از یک‌طرف سایه تورم بر سر آن بیشتر از سال‌های گذشته بود و از طرف دیگر فضای دودستگی میان مردم برای برگزاری یا عدم‌برگزاری مراسم آن بیشتر از هر سالی در جامعه ایران وجود داشت. رسانه‌های حکومتی در هر شکل و قالبی بسیج شدند که فضای جامعه ایران را طرفدار محرم نشان دهند و القا کنند که محرم تبدیل به کارناوالی برای مردم شده و بگویند دشمنان نظام در پی دین‌زدایی از جامعه ایران هستند. از سوی دیگر اما مردم در شبکه‌های اجتماعی از ظلم‌ها و کشتارهای حکومت در این سال‌ها مخصوصا بعد از اعتراضات سراسری به کشته شدن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد نوشتند.» بی‌بی‌سی بعد از نوشتن همه اینها صحبت را بی‌ربط و باربط به راهپیمایی اربعین می‌کشاند و می‌نویسد: «با همه اینها محرم امسال هم برگزار شد و حالا حکومت در پی برگزاری مقدمات راهپیمایی اربعین است که چند سالی است برگزار می‌شود ورسانه‌های حکومتی هم مانور خوبی از طریق آن برای گسترش فرهنگ شیعه و طرفداری از حکومت می‌دهند.» امسال در انتقال زائران پاکستانی در مرز میرجاوه مشکلاتی وجود داشت و در رسانه‌ها هم به آن پرداختند، اما BBC با گذاشتن یک ویدئو از انتقال زائران پاکستانی با تریلی و اتوبوس از چابهار این موضوع را تحلیل کرد و نوشت: «براساس اخباری که شبکه حقوق بشری حال‌وش منتشر کرده است، هیچ بلیتی برای سفر بین شهری به افراد بومی فروخته نمی‌شود و دلیل آن «دستور شورای تامین» اعلام شده است.» همچنین در خبر دیگری از کمبود اتوبوس بین شهری به‌دلیل اختصاص دادن وسایل نقلیه جهت انتقال زائران به مناطق مرزی برای شرکت در مراسم اربعین خبر داد و نوشت: «با نزدیک شدن به اربعین و حرکت زائران به‌سوی مرزهای غربی ایران برای شرکت در این مراسم، گزارش‌هایی از کمبود اتوبوس بین‌شهری و دشواری شهروندان برای رفت‌وآمد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. خبرگزاری صداوسیما امروز پنجم شهریور از قول رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای گفته است هزار اتوبوس به ناوگان حمل‌ونقلی در مرزها افزوده می‌شود. اگر در ایران زندگی می‌کنید، آیا در شهر محل زندگی خود شاهد کمبود وسایل نقلیه عمومی بوده‌اید؟ آیا قیمت بلیت اتوبوس بین‌شهری در روزهای گذشته تغییری کرده است؟ آیا شما هم شاهد کمبود وسایل نقلیه عمومی نظیر اتوبوس در شهر محل زندگی خود بوده‌اید؟» این رسانه خبر حضور چهار میلیون ایرانی در اربعین امسال را گزارش می‌دهد و در کنارش این را می‌گوید که حضور مردم به‌معنای تایید حکومت نیست و می‌نویسد: «مقامات در ایران می‌گویند که در ایام اربعین، نزدیک به چهار میلیون زائر ایرانی به کربلا رفته‌اند. این درحالی است که به سالگرد کشته شدن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد و اعتراضات پس از آن نزدیک می‌شویم. با بیشتر شدن شکاف میان بخش بزرگی از مردم و حکومت، نهادهای تبلیغاتی تلاش می‌کنند شرکت مردم در اربعین و عاشورا را به حساب حمایت‌شان از نظام بگذارند.»

خبرهای زرد

مدل شبکه «منوتو» اما متفاوت است. آنها درعین اینکه خبرهای اصلی را سانسور کرده اما حاشیه‌هایی را پررنگ می‌کنند که اصلا در شمار خبر به حساب نمی‌آید و بیشتر خبرهای زرد است. اخباری که به بهانه اربعین در این رسانه منتشر شده است، ویدئو نقش پررنگی دارد آن هم ویدئوهایی که شاید اصلا رنگ خبر ندارند و فقط حاشیه است. در کل حدود هشت خبر از راهپیمایی اربعین امسال منتشر شده که عمدتا فاقد ارزش خبری شأن رسانه‌ای هستند.» مثلا ویدئویی که به اربعین مرتبطش کرده‌اند با تیتر «مسدود کردن مسیر برای برگزاری مراسم اربعین» منتشر شده است. در این ویدئو یک دسته عزاداری نشان داده می‌شود که از خیابانی در لواسان می‌گذرد و کسی که این ویدئو را فرستاده، از بستن خیابان به بهانه عزاداری می‌گوید. یا اینکه در روز اربعین به‌دلیل مراسم عزاداری در خیابان شهید رجایی در تهران این خیابان برای ساعتی بسته بود اما نکته جالب تیتر منوتو برای این مراسم است که نوشته: «تمام مسیرها رو برای مراسم اربعین مسدود کردن.» در یک ویدئو ۲۰ ثانیه‌ای از مراسم عزاداری در اربعین، این شبکه زباله‌گردی را نشان می‌دهد که درحال جست‌وجو در سطل زباله است و با تیتر «زباله‌گردی در حاشیه عزاداری اربعین» می‌خواهند این مراسم را زیر سوال ببرند. باید توجه کرد در اینکه زباله‌گردی ناراحت‌کننده است هیچ شکی نیست اما از لحاظ رسانه‌ای انتشار آن با این برچسب هیچ توجیهی ندارد؛ چراکه چه مراسم عزاداری باشد و چه نباشد، این زباله‌گردی وجود دارد. منوتو در تلاشی دیگر ویدئویی از یک تریلی را منتشر کرده و برای آن تیتر زده است: «تریلی محصولات خوراکی به کربلا برای اربعین» نکته اینجاست که حتی مشخص نیست در تریلی چه باری وجود دارد!

هزینه‌ها با کیست؟

اما به سراغ ایران اینترنشنال برویم. رسانه‌ای که تقریبا همپای BBC و مانند او اخبار خاصی را از مراسم پیاده‌روی اربعین منتشر کرد و روز گذشته در تحلیلی به مراسم اربعین پرداخت و بدون اشاره به حضور ۲۲ میلیون نفری در این مراسم، با تیتر «مراسم‌سازی مذهبی جمهوری اسلامی با بودجه دولتی» که نه‌تنها صدها فرسنگ از مرزهای بی‌طرفی و حرفه‌ای‌گری گذشته، بلکه به عیان عقده‌گشایی و سرشار از لمپنیسم است، می‌نویسد: «راهپیمایی سنتی اربعین در عراق در سال‌های اخیر از سوی جمهوری اسلامی به یک مراسم حکومتی تبدیل شده است.» و همچنین از صرف بودجه برای مراسم مذهبی اربعین توسط نهادهای مختلف خبر می‌دهد. این رسانه در خبر دیگری می‌نویسند: «راهپیمایی موسوم به جاماندگان اربعین با بسیج منابع و بودجه حکومتی برگزار می‌شود. جمهوری اسلامی سعی می‌کند مراسم جدیدی را تولید کند که هم خودش صاحب آن مراسم باشد و بتواند تبلیغات خودش را در آن اجرا کند.» یا در ویدئوی دیگری با این تیتر که چراغ‌ها را برای اربعین روشن نگه می‌دارند، می‌نویسد: «یکی از مخاطبان ایران اینترنشنال در اهواز، روز پنجشنبه ۱۵ شهریور ویدئویی را تهیه کرده و با نشان دادن یک ایستگاه صلواتی اربعین در نزدیکی ایستگاه راه‌آهن گفته است: هشت صبح است و چراغ‌ها روشن مانده و کسی نیست که آنها را خاموش کند.» یا اینکه از درگیری فرقه‌ای در پاکستان در مراسم اربعین خبر می‌دهد و می‌گوید: «پلیس پاکستان اعلام کرد در جریان درگیری فرقه‌ای در جریان مراسم اربعین در شهر کپرو، دست کم هشت نفر زخمی شدند. به گفته پلیس پس از اعتراض «یک فرقه مذهبی ممنوعه» به ورود دسته عزاداران به خیابان، دوطرف با سنگ و چوب درگیر و دست کم ۸ نفر از جمله یک دختر رهگذر زخمی شدند.» پررنگ کردن تصادف‌ها در این مراسم هم یکی دیگر از کارهای این رسانه‌ها بود، مثلا ایران اینترنشنال در خبری می‌نویسد: «رئیس مرکز اورژانس خوزستان از مصدوم شدن ۳۱ زائر ایرانی اربعین در تصادف اتوبوس با یک خودروی سواری در شهر العماره عراق خبر داد و گفت دو نفر از این مصدومان مرگ مغزی شده‌اند.» یا در ویدئوی دیگری به وضعیت بیمارستانی در تهران پرداخته است و می‌نویسد: «شنبه ۱۱ شهریور، یکی از مخاطبان ایران اینترنشنال ویدئویی را از وضعیت بیمارستان طالقانی واقع در ولنجک تهران تهیه کرده و گفته است: [مسئولان جمهوری اسلامی] به‌جای هزینه کردن برای مراسم اربعین، بیمارستان‌ها را تجهیز کنند.» پرداخت به حاشیه‌ها آن هم حاشیه‌هایی که شاید اهمیتی برای خبری شدن نداشته باشند در این شبکه هم پررنگ است، مثلا در توضیح ویدئویی که به‌عنوان پیام مردمی منتشر کرده، می‌نویسد: «یکی از مخاطبان ایران اینترنشنال شامگاه شنبه چهارم شهریور، ویدئویی را از گردنه پاطاق در سرپل ذهاب تهیه کرده و گفته است: زندگی مردم شهرستان به‌خاطر پیاده‌روی اربعین مختل شده و امکانات نیز کم شده است. بنزین هم نیست.» تکرار واژه بنزین نیست و ربط آن به اربعین هم بسیار پررنگ است. یا اینکه افزایش قیمت‌ها را بالاخره به یک موضوع مذهبی می‌کشانند و ربط می‌دهند. مثلا افزایش قیمت نان را این‌طور پوشش می‌دهند: «احمد علوی، اقتصاددان و استاد دانشگاه: نان یک کالای ضروری و عمومی است و وظیفه دولت تامین آن است. اما اولویت دولت جمهوری اسلامی رفاه عمومی مردم نیست و با اختصاص ارز به مراسم‌های حکومتی مانند عید غدیر و اربعین بودجه‌های عمومی را خرج می‌کند.» ایران اینترنشنال در گزارش‌های متعدد به موضوع هزینه‌های برگزاری مراسم اربعین می‌پردازد و نگاه‌شان این است که همه هزینه‌ها را مسئولان ایرانی می‌پردازند و مردم نقشی در این کار ندارند.

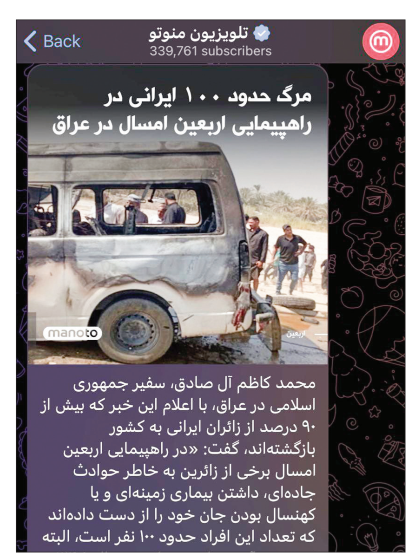

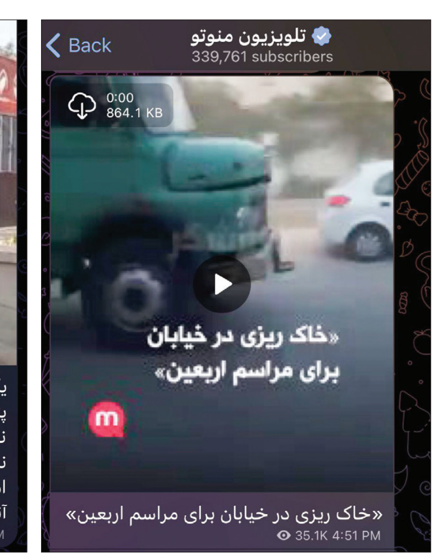

چارسو

ابهام در سرنوشت جانی دپ و کاپیتان جک اسپارو

کریگ مازن، نویسنده «دزدان دریایی کارائیب ۶» اخیرا به لس‌آنجلس تایمز گفته فیلمنامه قسمت جدید این سری فیلم آنقدر عجیب است که از تصمیم کمپانی دیزنی برای خرید آن شگفت‌زده شده است. ورایتی در تابستان ۲۰۲۰ گزارش داده بود که دیزنی در مراحل اولیه ساخت دو فیلم دزدان دریایی است؛ یک فیلم با حضور مارگو رابی و ششمین فیلم در فرانچایز اصلی نوشته کریگ مازن و تد الیوت. الیوت پیش از این در نویسندگی چهار قسمت اول نیز مشارکت داشته است. آخرین فیلم دزدان دریایی، با عنوان «مردگان حکایت نمی‌کنند» در سال ۲۰۱۷ اکران شد. مارگو رابی در نوامبر گذشته اعلام کرد که فیلم دزدان دریایی کارائیب که قرار بود او در آن بازی کند فعلا کنار گذاشته شده است. با این حال جری بروکهایمر تهیه کننده سری فیلم‌های دزدان دریایی کارائیب می‌گوید فیلمنامه دزدان دریایی با حضور مارگو رابی در نقطه‌ای مشخص می‌آید و این پروژه کاملا مرده نیست، اما دیزنی به جای آن فیلمنامه نوشته مازن و الیوت را در اولویت قرار داده است. طرح داستان فیلم قسمت ششم دزدان دریایی کارائیب همچنان مخفی مانده است و مشخص نیست که این فیلم شامل بازگشت شخصیت جک اسپارو با بازی جانی دپ خواهد بود یا خیر. فعالیت جانی دپ در سال‌های اخیر تحت تاثیر دعوای حقوقی او با همسر سابقش امبر هرد بسیار محدود شده است.

کارگردان مارکوپولو درگذشت

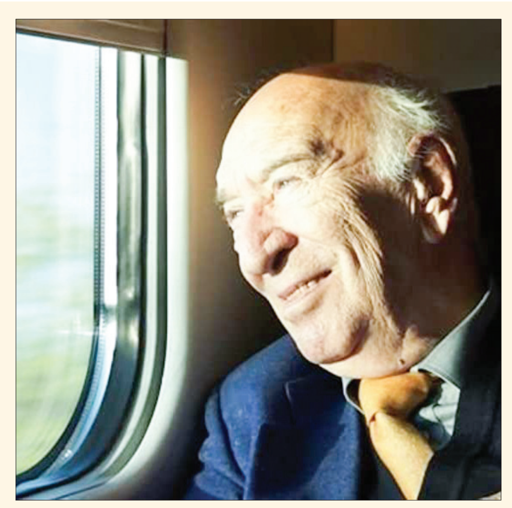

جولیانو مونتالدو، کارگردان ایتالیایی که در ایران بیشتر به خاطر سریال مارکوپولو با موسیقی انیو موریکونه معروف است، در ۹۳ سالگی درگذشت. مونتالدو در سال ۱۹۵۱ زمانی که هنوز دانشجویی جوان بود، توسط کارلو لیتزانی برای بازی در نقش اصلی فیلم «توجه! راهزنان!» استخدام شد. پس از این تجربه او به‌عنوان دستیار کارگردان با لیتزانی و جیلو پونته کوروو به همکاری پرداخت و تا سال ۱۹۷۵ در شش فیلم به‌عنوان دستیار کارگردان یا کارگردان دوم فعالیت کرد. در این میان او در سال ۱۹۶۰ نخستین فیلم خود را با نام «پراندن کبوتر» کارگردانی کرد و این فیلم که در مورد مقاومت پارتیزان‌ها بود، در همان سال به بخش رقابتی جشنواره فیلم ونیز راه یافت. او در سال ۱۹۶۵ فیلم «بی‌باک» را که نمایشی تلخ و معترضانه از توسعه اقتصادی ایتالیا بود، نوشت و کارگردانی کرد. این فیلم جایزه ویژه هیات داوران جشنواره فیلم برلین را به دست آورد. سپس در سال ۱۹۶۶ به‌عنوان کارگردان دوم در پروژه بسیار مشهور نبرد الجزیره حضور پیدا کرد که جیلو پونته کوروو کارگردان اول آن بود. مونتالدو ۱۹۶۷ گرند اسلم (پیروزی بزرگ) را با حضور بازیگران بین‌المللی ساخت و در سال ۱۹۸۲، به کارگردانی سریال بزرگ مارکوپولو (درباره زندگی مارکوپولو جهانگرد ایتالیایی) پرداخت که برنده جایزه امی در بخش برنامه‌های تلویزیونی شد. در آثار سینمایی او تم آزادی یا رهایی را به‌وفور می‌توان یافت.

اعتصاب اسکار را عقب انداخت

چهاردهمین مراسم اهدای جوایز افتخاری اسکار که به‌عنوان جوایز فرمانداران آکادمی هم خوانده می‌شود، از تاریخ اعلام‌شده قبلی خود یعنی ۱۸ نوامبر ۲۰۲۳ تا ۹ ژانویه ۲۰۲۴ به تعویق افتاد. در مراسم این دوره آنجلا باست، مل بروکس و کارول لیتلتون قرار است اسکار افتخاری و میشل ساتر جایزه بشردوستانه ژان هرشولت را دریافت کنند. اگرچه مراسم اهدای جوایز فرمانداران یک شام غیرتلویزیونی است که توسط اعضای اسکار برگزار می‌شود و احتمالا در ماه نوامبر هم با بایکوت انجمن‌های اعتصابی روبه‌رو نمی‌شد، اما احتمالا با مسائل دیگری روبه‌رو بود. درواقع جوایز افتخاری در گرماگرم فصل جوایز برگزار می‌شود و زمان بسیار مناسبی برای نام‌های بزرگی است که هر سال در رقابت اسکار هستند، تا بیشتر دیده شوند و در دید اعضای آکادمی قرار بگیرند. اما حضور در این مراسم هزینه بالایی دارد و هزینه تصاحب یک میز ۷۵ هزار دلار است یعنی ۷۵۰۰ دلار برای یک صندلی، و هر میز همیشه توسط یک استودیو خریده می‌شود تا با حضور مشارکت کنندگان کلیدی در برابر فیلم‌های رقیب خود پر شود و بازیگران و نویسندگان در کنار مدیران ارشد استودیو دور هر میز گرد می‌آیند. چنین چیزی در حال حاضر ممکن نیست. در عین حال دو نفر از چهار برگزیده اسکار افتخاری امسال یعنی آنجلا باست و مل بروکس بازیگر هستند. ضمن اینکه بروکس نویسنده هم هست و اگر تاریخ نوامبر به قوت خود باقی می‌ماند، احتمال حضور آنها روشن نبود و اگر تصمیم می‌گرفتند جایزه خود را حضوری نپذیرند، آکادمی در موقعیت دشواری قرار می‌گرفت زیرا دو برگزیده دیگر چهره‌هایی نیستند که به‌طور مستقل بر فروش بلیت تاثیر بگذارند.
دوازدهمین دوره جوایز افتخاری اسکار هم به دلیل همه‌گیری کرونا تا دو روز پیش‌تر از مراسم اسکار به تعویق افتاد و افراد سرشناس بسیار کمتری در آن حضور یافتند. پیش از این به دلیل اعتصاب‌ها هفتاد و پنجمین دوره مراسم امی از ۱۸ سپتامبر به ۱۵ ژانویه منتقل شد تا مراسم ماه ژانویه فشرده‌تر از همیشه باشد.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

معما: تنها برگ برنده «حیثیت»

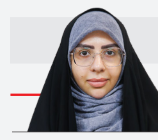

فاطمه‌سادات بکائی
خبرنگار گروه فرهنگ

تا چندسال قبل، ژانر معمایی یکی از بخش‌های کم‌فروغ سینمای ایران بود. ژانری کم‌طرفدار در میان اهالی سینما و کم‌رونق در گیشه که البته علت این دومی به ذائقه مخاطب مرتبط نبود، بلکه ضعف فیلمنامه‌ها موجب فروش کمتر آثار می‌شد. فروش موفق آثاری مثل «رخ‌دیوانه» نشان می‌داد مخاطب از معما خوشش می‌آید به‌شرطی که جذابیت کافی داشته باشد.
رونق این ژانر در بستر نوظهور نمایش خانگی که جذابیت و خوشامد مخاطب، عناصر اصلی رقابت برای ادامه حیات پلتفرم‌ها هستند باز هم تایید می‌کند ذائقه مخاطب ایرانی با ژانر معمایی همراه است و اتفاقا توجه او را بیشتر از سایر ژانرها به خود جلب می‌کند. «پوست شیر» موفق‌ترین نمونه از این ژانر در نمایش خانگی است که توانست جان دوباره‌ای به صنعت سریال‌سازی در ایران ببخشد. راه افتادن چالش‌های متعدد در فضای مجازی برای حل معمای این سریال یکی از شگفت‌انگیزترین تجربیات سریال‌سازی و تبلیغات در ایران بود که نمونه‌اش قبلا فقط برای سریال‌های مطرح جهانی اتفاق افتاده بود. مینی‌سریال حیثیت، از این حیث در راهی رفته قدم گذاشته و عملا نیمی از مسیر جذب مخاطب را تنها با انتخاب ژانر معمایی برداشته است. انتخاب بازیگرهای مناسب، قصه ناموسی (که از سینمای فیلمفارسی تا امروز، هنوز هم یکی از قصه‌های مورد علاقه مخاطب ایرانی است) و ریتم خوب قصه هم گام بعدی برای همراه کردن مخاطب شبکه نمایش خانگی را هموار کرده است.
حیثیت یا حیثیت گمشده با وجود کشش خوبی که برای همراه کردن مخاطب با قصه دارد اما بدون اشکال هم نیست. مخصوصا اینکه به‌نظر می‌رسد نویسنده کمی عجول بوده و برای برخی نقاط عطف قصه، حوصله یا شاید فرصت پردازش کافی نداشته و این اشکال از لحظه ورود به قصه در قسمت اول توی ذوق می‌زند. وقتی قصه با دلبری‌های غلیظ بهاره افشاری در نقش هاجر برای همسرش شروع می‌شود و با پاسخ تند و بی‌منطق امیر به دلبری‌ها ادامه پیدا می‌کند؛ درحالی با گذشت هشت قسمت از سریال نه آن دلبری‌ها در قصه گره‌گشاست و نه این تندخویی به کاراکتر مردی می‌آید که بعد از مرگ مشکوک همسرش با وجودی که معلوم نیست چگونه باردار شده بوده، پای یک سیب نیم‌خورده به‌جا مانده از هاجر عزاداری می‌کند.
حیثیت دچار کمی تناقض در وزن قصه است، یعنی آنجا که چندان هم لازم نیست مثل فلش‌بک‌ها به گذشته امیر شاهد اضافه‌کاری در روایت هستیم و در بعضی موقعیت‌ها پله‌های روایت‌گری را دوتا یکی طی می‌کند، مثلا آنجا که لازم است منطق رفاقت و اعتماد بین امیر و اسماعیل را نشان بدهد، سرسری از روایتش عبور می‌کند یا حتی روایت درستی از علت نزدیک شدن ناگهانی امیر و دوست همسرش در روند سریال وجود ندارد.
روند قصه در جاهایی حتی تنه‌به‌تنه فیلم هندی می‌زند و توگویی همه درهای بسته ماموریت دارند بدون چون‌وچرا به روی نقش اصلی باز شوند. جراحت‌ها به‌سرعت خوب می‌شوند، دزدی‌ها بدون دردسر میسر می‌شوند، مرد احساساتی قصه به‌سرعت مرتکب قتل می‌شود و همه آثار این قتل بدون هیچ چالشی حل می‌شود. آدم‌ها به‌سرعت رفیق می‌شوند و حتی اطلاعات سری خیلی سریع به یک باند مخوف خیلی سریع به دست مردی می‌رسد که حالا دیگر گانگستری برای خودش شده است. با این همه اما ریتم قصه مخاطب را به‌دنبال خودش می‌کشد و همین می‌تواند برای کارگردان تازه‌کار حیثیت، نویدبخش آینده‌ای روشن باشد؛ او ذائقه مخاطب را شناخته و همین هم می‌تواند عامل موفقیتش باشد به شرطی که برای «قصه» احترام بیشتری قائل باشد.

داستانی که پیچیده نیست

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

«حیثیت گمشده» اولین کار سجاد پهلوان‌زاده، نیست. قبل از این هم سریال «سقوط» را در فیلیمو داشت البته با ژانری متفاوت. ژانر سقوط، جاسوسی و معمایی بود و روایتی متفاوت از داعش و حضور این گروه تروریستی در منطقه را به تصویر می‌کشید. برخی سقوط را یک سریال امنیتی هم می‌دانستند. برخی دیگر عقیده داشتند که این سریال تنها نقطه‌نظری خلاف واقع به جریان‌های تروریستی داعش دارد، هرچه که بود این سریال طرفدارانی هم پیدا کرد و حالا پهلوان‌زاده در دومین تجربه کارگردانی به سراغ موضوعی اجتماعی رفته است. داستان حیثیت گمشده روایت زندگی یک زن و مرد است که با مرگ زن در همان قسمت اول می‌بینیم که نقاط تاریکی در زندگی او وجود دارد و همسرش در برابر این نقاط تاریک قرار می‌گیرد و به دنبال جواب سوال‌هایش می‌گردد. پهلوان‌زاده یک موضوع خانوادگی و اجتماعی را در دل جنوب شهر روایت می‌کند و از همان ابتدا، در داستان با مردی روبه‌رو می‌شویم که انگار بعد از سال‌ها زندگی هنوز همسرش را نشناخته است، تازه انگار بعد از مرگش درحال کشف است. مخاطب هم با روایتی که کارگردان دارد مدام درحال گمانه‌زنی است. شاید همین گمانه‌زنی‌ها مخاطب را با داستان همراه می‌کند تا ببیند پایان به چه چیزی گره می‌خورد اما همه اینها برای دو قسمت اول است. داستان که جلوتر می‌رود، دیگر حدس‌ها خیلی هم پیچیده نیست و از یک جایی مخاطب می‌تواند حدس بزند که امیر (مهدی حسینی‌نیا) بالاخره به چه چیزی می‌رسد. همه شخصیت‌ها خاکستری هستند، سیاه وسفید وجود ندارد، حتی قاچاقچی از یک جایی، جوری با داستان همراه می‌شود که مخاطب او را درک می‌کند و حتی گاهی هم دوستش دارد. انگار از منظر کارگردان زیست منطقه‌ای که در سریال به تصویر کشیده شده است، شخصیت‌ها را به سمت این مدل زندگی می‌کشد و مجبورند که خلافکار باشند. اما این خلاف داشتن آنها را دور از معرفت ووجدان نمی‌کند، دقیقا مانند فیلم فارسی. البته با همه اینها نقطه قوت در این سریال را باید اخلاقیات بدانیم، انگار که نمی‌خواهد تحت هیچ شرایطی از یک نقطه‌ای پایین بیاید. اخلاق برایش مهم است. حتی اگر سیاهی‌ها را نشان می‌دهد اما طوری برخورد می‌کند که مخاطب در این سیاهی‌ها غرق نشود. فقر، اعتیاد، بیکاری و... همه اینها در این سریال وجود دارد، اما آدم‌ها بالاخره دلیلی دارند برای اینکه خودشان را از کار خطایی که انجام می‌دهند مبرا کنند. همین دلیل سیاه نبودن کامل شان می‌شود. روایت پهلوان‌زاده برخلاف قسمت اول خیلی هم پیچیده نیست، مخاطب کاملا می‌تواند حدس بزند که چه اتفاقی می‌افتد و چه کسی پشت همه این جریان‌هاست. همین باعث می‌شود تا دیگر پیچیدگی‌ها از قسمت سوم به بعد برای مخاطب جذاب نباشد. روایت‌های پهلوان‌زاده در این سریال مثل سقوط جذابیت ندارد. حتی هیجان سریال هم با وجود داستانی که روایت می‌کند کم است و حدسیات مخاطب کاملا درست از آب درمی‌آید. شاید کارگردان آنقدر درگیر داستان نشده تا بتواند پیچیدگی‌ها را پر و بال بدهد.

فرش قرمز ونیز بدون ستاره

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

جشنواره فیلم ونیز که قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی دنیاست امسال هشتادمین دوره‌اش را برگزار می‌کند. این یعنی ۸۰ سال از تاریخ جشنواره‌های سینمایی در دنیا می‌گذرد. از ونیز مسکو تا کن و برلیناله و لوکارنو، همگی نهایتا ذیل همین تاریخ هشتادساله تعریف می‌شوند. در آغاز راه این جشنواره‌ها رسالت خودشان را در برابر فیلمسازی جریان اصلی، کشف و معرفی سینمای آلترناتیو عنوان می‌کردند. چیزی در برابر بفروش‌های هالیوود و بالیوود و هنگ کنگ یا سینماهای جزئی‌تر تجاری مثل مصر و ترکیه. تجربه‌های سینمایی جدید که جزء موارد محبوب استودیوها نبود، معمولا در این فستیوال‌ها رونمایی و تحسین می‌شدند. مثلا روزگاری آیزنشتاین و چاپلین در فستیوال مسکو بودند و غول فیلمسازی روس، از یک جوان آمریکایی به نام والت دیزنی تقدیر جانانه‌ای کرد و کمدین صاحب‌نام غربی حامی تمام‌قد یک جوان روس شد که اولین انیمیشن بلند دنیا را ساخته بود. حتی فیلم‌هایی که با تم ضد سرمایه‌داری ساخته شده بودند در فستیوال‌های اروپای غربی از جمله کن و ونیز حضور پیدا می‌کردند. حالا اما از آن فضا بسیار فاصله گرفته‌ایم. دوره تجربه گرایی در سینما تقریبا به سر آمده و دوز سیاسی کاری جشنواره‌های اروپای غربی هم به قدری بالا رفته که اعتبار جوایزشان را شدیدا تحت تاثیر قرار داده است. نکته دیگر وابستگی بالای این جشنواره‌ها به ستارگان هالیوودی و گاه بالیوودی برای دیده شدن است. این جشنواره‌ها ابتدا قرار بود به‌عنوان سکویی برای دیده شدن سینمای ضدجریان، در صحنه فعال باشند اما حالا هیچ راهی برای دیده شدن ندارند جز حضور پر زرق و برق ستاره‌های سینمای تجاری خصوصا هنرپیشه‌های آمریکایی در فرش قرمزها و نشست‌های خبری. امسال دست جشنواره ونیز از حضور اسامی پرآوازه قدیمی در عرصه کارگردانی کاملا خالی نیست اما این نام‌ها همه تکراری‌اند و حتی یکی از آنها چند ماه پیش در گذشته بود. نه دیگر از معرفی چهره‌های رو به جلو خبری هست و نه بدون حضور ستاره‌ها، اتفاقات روزمره جشنواره توجه کسی را به اندازه سال‌های قبل جلب می‌کند. اعتصاب بازیگران هالیوود امسال فرش قرمز فستیوال ونیز را کاملا از رونق انداخته. این اعتصاب با دو محور صورت‌بندی شده است. اول اعتراض به میزان دستمزد و دوم تلاش برای گرفتن تضمینی مبنی بر اینکه هوش مصنوعی جایگزین بازیگران و نویسنده‌ها نمی‌شود. این اعتصاب از انجمن نویسندگان هالیوود به راه افتاد و سپس دامنه‌اش به انجمن بازیگران رسید. از دیرباز بین بازیگران و نویسنده‌ها بر سر تصاحب بودجه فیلم‌ها رقابت جدی وجود داشت و نویسندگان می‌گفتند که به‌جای صرف هزینه در سبد نگارش فیلمنامه‌های قوی بخش قابل توجهی از بودجه فیلم صرف دستمزد ستاره‌ها می‌شود. این بار اما این دو گروه که رقبایی قدیمی بودند یک رقیب جدید در برابرشان دیدند و علیه آن با هم متحد شدند؛ هوش مصنوعی. هم بازیگران و هم نویسنده‌ها می‌ترسیدند که هوش مصنوعی جای آنها را بگیرد و طالب تضمینی از جانب تهیه کنندگان و صاحبان کمپانی‌ها هستند که این جایگزینی صورت نگیرد. البته این درخواست خالی از اشکال نیست و اگر کمپانی‌ها چنین تضمینی به بازیگران و نویسنده‌ها بدهند و هوش مصنوعی هم واقعا به حدی پیشرفت کند که بتواند جای خلاقیت انسان را بگیرد قطعا سینمای آمریکا از هم فرو خواهد پاشید. اولا این تضمین محدود به سینمای آمریکاست و رقبای آن می‌توانند با استفاده از همین فرصت فاصله‌شان را با هالیوود نجومی کنند. چین، هند، کره و ده‌ها کشور دیگر می‌توانند وقعی به این نوع محدودیت‌ها نگذارند و در فرصتی که هالیوود خودش را از هوش مصنوعی محروم کرده با شتاب فراوان از آن پیشی بگیرند. در ضمن اینکه هوش مصنوعی به واقع بتواند جای خلاقیت هنری انسان را بگیرد امری محال است و چنین ترس و توهمی دلیلی ندارد جز علم‌زدگی هیجانی. به‌هر حال اعتصاب بازیگران هالیوود باعث شد فرش قرمز امسال جشنواره ونیز خالی از رنگ و لعاب چند سال اخیرش باشد. قبلا به دلایل مختلف به اثبات رسیده بود که این فستیوال‌ها برخلاف ادعای غالب‌شان صرفا براساس معیارهای هنری انتخاب نمی‌کنند و جایزه نمی‌دهند؛ بلکه اولویت‌های سیاسی کاملا لحاظ می‌شوند. حالا با بی‌رونقی و سردی فرش قرمز هشتادمین دوره ونیز نتیجه‌گیری دوم را هم درباره این فستیوال و اقران و امثال آن می‌توان به قطعیت رساند و آن این است که برخلاف ادعاهای اولیه، فستیوال‌های هنری اروپا نه‌تنها معرفی کننده و هدایت بخش سینمای آلترناتیو نیستند، بلکه شدیدا به هالیوود وابستگی دارند. البته چند بازیگر توانسته‌اند از این قاعده مستثنی بمانند که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند اما اینها رونق لازم و کافی را به مراسمی نخواهد بخشید که در سال‌های اخیر برای دیده شدن کاملا به حضور ستاره‌های هالیوود متکی شده بود.

چند مورد استثنا

چندمورد از فیلم‌های آمریکایی که در ونیز هشتادم حاضر هستند توانسته‌اند معافیت‌های موقت اتحادیه بازیگران آمریکا (SAG-AFTRA) را دریافت کنند و ستارگان‌شان روی فرش قرمز ونیز حاضر شوند زیرا آنها تولیدات مستقلی هستند که توسط اعضای اتحادیه تهیه کنندگان سینما و تلویزیون آمریکا (AMPTP) تولید نشده‌اند. آدام درایور برای تبلیغ فیلم «فراری» ساخته مایکل مان که در آن نقش شخصیت اصلی و پیشگام ایتالیایی مسابقات اتومبیلرانی یعنی «انزو فراری» را بازی می‌کند به جشنواره ونیز خواهد رفت و لندری جونز هم برای فیلم «داگمن» ساخته جدید لوک بسون. همچنین مدس میکلسن برای فیلم «سرزمین موعود» ساخته نیکولای آرسل کارگردان دانمارکی و جسیکا چستین برای فیلم «خاطره»، ساخته سینماگر مکزیکی میشل فرانکو، روی فرش قرمز خواهند رفت. این نخستین نقش چیستن پس از بازی در نقش برنده اسکار در فیلم «چشمان تامی فی» است. همچنین انتظار می‌رود کیلی اسپانی وژاکوب الوردی که نقش پریسیلا و الویس پریسلی را در فیلم سینمایی «پریسیلا» ساخته سوفیا کاپولا بازی کرده‌اند، به همراه خود «پریسیلا پریسلی» در ونیز حضور داشته باشند. چنانکه دیده می‌شود به جز یکی دو مورد نام ستارگان درجه اول هالیوود در بین این موارد استثناشده هم به چشم نمی‌خورد. با این حال طبق گزارش خبرگزاری ایتالیایی «ANSA» احتمال دارد کیفر ساترلند هم که بازیگر آخرین فیلم ویلیام فریدکین فقید، با نام «دادگاه نظامی شورش کین» است، برای ادای احترام به کارگردان درگذشته فیلم، در ونیز حضور داشته باشد. این حضور احتمالی به‌رغم آن است که این فیلم محصول کمپانی پارامونت گلوبال و از اعضای اتحادیه تهیه کنندگان آمریکا است که جزء صنوف اعتصاب کننده هستند.